

قسمت اول

# و رسد شخصیت کودکان و سبب ای جهت ارتقاء موسیقی ارف

پروانه دادخواه

کارل ارف خالق اپرای مشهور «کارمینا بورانا» در سال ۱۸۹۵ در شهر مونیخ آلمان بدنیا آمد. وی دیدگاه جدیدی در راستای ارتباط بین موسیقی و حرکت ارائه نمود. در سال ۱۹۲۴ آشنایی با «دروتی گانتز» صاحب یک مدرسه ژیمناستیک و تأسیس آموزشگاهی به همین نام باعث تحقق اهداف کارل ارف و ابداع روشی جدید متشکل از آموزش موسیقی و حرکات موزون گردید.

وی در سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ مطالعات و تحقیقات تربیتی خود را تحت عنوان «کارگاه موسیقی درس برای بچه ها» منتشر کرد. در سال ۱۹۶۱ مدیریت مؤسسه ارف در آکادمی موتسارت در سالزبورگ را به عهده گرفت. این مؤسسه امروزه نیز شیوه های آموزش موسیقی کودکان را به اطلاع مریبان می رساند.

وی در سن ۸۶ سالگی در شهر مونیخ در گذشت. کارل ارف بر خلاقیت، بدیهه پردازی و استفاده از مفاهیم ساده تأکید بسیار داشت. اعتقاد بر این است که این نوع آموزش می تواند بر تمامی فعالیت های کودکان و نوجوانان تاثیر گذار باشد و موجب پرورش نیروی تخیل، رشد شخصیت و فراهم آمدن نظم و هماهنگی در اندیشه و رفتار و نیز باعث گسترش خلاقیت در آنان گردد.

گروه موسیقی پارس در راستای توجه و اجرای این مهم در سال ۱۳۶۴ توسط ناصر نظر تاسیس گردید. ناصر نظر از کودکی موسیقی را با شرکت در کلاس های ارف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز نمود و سپس در سال ۱۳۵۵ ساز کلارینت و پیانو را در کارگاه موسیقی رادیو و تلویزیون ملی ایران فرا گرفت.

پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ به عنوان مربی ارف در کارگاه موسیقی شروع به تدریس نمود.

تأسیس گروه مریبان ارف در سال ۱۳۶۵ به منظور گسترش و اشاعه روش موسیقی ارف و در ادامه، پایه گذاری اولین ارکستر سمفونیک نوجوانان در سال ۱۳۷۱ از جمله فعالیت های قابل توجه او می باشد. وی از محضر استاد فقید، حشمت اله سنجری جهت یادگیری فنون رهبری ارکستر استفاده نمود و نیز با شرکت در مستر کلاس سوئیس معلومات خود را جهت ارتقاء سطح کیفی و اداره ارکستر نوجوانان تکمیل تر نمود.

در امر آموزش موسیقی به کودکان، قطعات و تمرینات متعددی را طرح و اجرا نموده است که حاصل آن مجموعه دنیای شادی، ترانه شادی و ترانه های کوچک برای بیداری است که سال ها مورد توجه اکثر مریبان، هنرجویان و علاقه مندان موسیقی قرار گرفته است.

عضویت در آکادمی موسیقی ارف AOSA و شرکت در سمینارهای سالانه این مجمع موسیقی جهت تدریس روش موسیقی ارف در ایران از جمله فعالیت های وی می باشد. انجام کنسرت های متعدد به مناسبت های مختلف از جمله جشن روز جهانی کودک و جشنواره موسیقی فجر از سال ۱۳۶۹ تا به امروز در کارنامه فعالیت های او می باشد و تاکنون موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر نیز گردیده است. با او که به تازگی از سمینار سالانه AOSA بازگشته بود، در مرکز موسیقی پارس به گفت و گو نشستیم که می خوانید:



## موسیقی ارف در ایران چه قدمتی دارد؟

موسیقی ارف در ایران پیشینه طولانی دارد به همین علت وقتی به خانواده‌ای بگوییم موسیقی کودک، فوراً به یاد نام ارف می‌افتد و گاه حتی تصویری از اینکه آیا ارف با الف نوشته می‌شود یا عین نیست. موسیقی ارف مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر اجتماعی پس از سال‌ها جای خود را در میان کودکان و نوجوانان ایرانی باز کرده است.

## کم و کیف آموزش موسیقی ارف در ایران قبل از انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خوب به علت گستردگی مرکزی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نیز کارگاه موسیقی رادیو و تلویزیون، این نوع آموزش در سطح وسیعی با روش یکسان آموزش داده می‌شد و این شبیه چیزی است که در مدارس دیگر کشورها موجود می‌باشد. البته با هدف آشنا سازی کودکان با موسیقی به نظرم موفق بودند و توانستند پس از گذشت چند سال گروه‌های زیادی را تعلیم داده و همه ساله در جشنواره‌های موسیقی کودک شرکت دهند.

## آیا شما از همان شیوه‌ها و روش‌های پیش استفاده می‌کنید؟

خیر مطمئناً پس از گذشت سال‌ها به کار بردن روش‌های قدیمی بدون تغییر و تحول امری محال است. به نظرم روش‌های قبل کمی کلیشه‌ای و ثابت بود. به عقیده کارل ارف روش او را می‌بایست با توجه به شرایط اقلیمی خاص همان محل آموزش داد. بنابراین ما نمی‌توانیم در اقصی نقاط ایران همان متدی که در مونیخ انجام می‌شود به کار ببریم. نه الان و نه چهل سال پیش و باز هم کارل ارف معتقد است اگر روش من و قطعاً مرا بدون کم و کاست اجرا کردید، مطمئناً مربی موفق نخواهید بود پس بهتر است تمامی این متدها را با توجه به اقلیم خود و شرایط خاص اجتماعی که در آن زندگی می‌کنید، منطبق نمایید.

## انگیزه شما از گسترش و ترویج متد آموزشی موسیقی کودکان و نوجوانان در ایران چه بود؟

نبودن امکانات انگیزه‌ای برای به وجود آوردن متد آموزشی به کودکان و

نوجوانان ایران بود و نیز از آنجایی که برای آموزش موسیقی به بچه‌ها روش اصولی غیر از ارف را نمی‌شناختم با تجربیات قبلی شروع به آموزش به بچه‌ها کردم که البته در این راه از کمک دوستان و همکاران بهره فراوان بردم.

## از اولین تجربه تدریس خود بعد از انقلاب بگویید؟

اولین تجربه من بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۸ در کارگاه موسیقی رادیو و تلویزیون بود. در آنجا از من خواسته شد با بچه‌های زیر هفت سال کار کنم و همان بچه‌ها نقطه شروع پیشرفت من شدند چون آن‌ها به من آموختند که چگونه می‌توانم به کودکان پنج ساله درس موسیقی بدهم و از آنجا که هیچ ارتباطی بین ما و سایر مراکز موسیقی دنیا وجود نداشت همه کارها را خودمان انجام می‌دادیم. ساز

نوازدگی بود. البته شرکت‌کنندگان عمدتاً فارغ‌التحصیل موسیقی بودند اما افرادی که آزاد کار می‌کردند نیز در این گروه شرکت داشتند.

## آیا در حال حاضر کلاس‌های تربیت مربی برگزار می‌شود و شرایط آن چیست؟

بله، من معیارهایی دارم و بر اساس آن آزمون ورودی می‌گیرم سپس یک دوره آموزش کوتاه مدت سازهای ارف، فلوت ریکوردر و روش آموزش. افراد شرکت‌کننده سپس در کنار مربیان قدیم نحوه تدریس را یاد می‌گیرند. اما همیشه هدف شرکت‌کنندگان تدریس نیست و بعضی‌ها فقط جهت علاقه‌مندی و کسب تجربه در این دوره‌ها شرکت می‌کنند.

## آموزش و تربیت مربیان چه تأثیری در روند آموزش ارف و گسترش آن

دوره‌های مربی‌گری باعث گسترش و پیشرفت موسیقی ارف در ایران شد و من خوشحالم اگر حتی این کار در سطح محدود هم حرکت می‌کند



## داشت؟

دوره‌های مربی‌گری باعث گسترش و پیشرفت موسیقی ارف در ایران شد و من خوشحالم اگر حتی این کار در سطح محدود هم حرکت می‌کند، با توجه به شرایط فعلی، اما هست.

گمان می‌کنم درصد بالایی از جوانانی که امروزه ۲۷-۲۸ ساله هستند و با موسیقی آشنایی دارند در کودکی یا نوجوانی موسیقی ارف کار کرده‌اند، با من یا با شاگردانم. هدف من این بود که با آموزش مربیان جدید، موسیقی کودک را گسترش بدهم آن‌ها به شهرهای مختلف رفتند، و شروع به ساختن ساز کردند و یاد گرفتند که چگونه با نبود امکانات چیزهای تازه خلق کنند و موسیقی بسازند و آموزش دهند و در حال حاضر در شهرهایی مثل شیراز، اصفهان، مشهد، اهواز، چهارمحال

می‌ساختیم، آهنگ می‌ساختیم و تدریس می‌کردیم و با همه این‌ها تجربه کسب می‌کردیم.

## هدف شما برای تربیت مربی و کلاس مربی‌گری چه بود؟

وقتی کار کمی شکل گرفت به این فکر افتادم که عده‌ای را برای مربی‌گری آموزش بدهم. در اوایل دهه ۶۰ بود که تعدادی مربی که بیشتر آن‌ها دوستان موسیقی‌دان خودم بودند را تعلیم دادم و ما گروهی شدیم به نام پارس و در حال حاضر نیز این دوستان در مراکز دیگر مشغول فعالیت هستند.

## حداقل شرایط برای تعلیم مربی چه بود آیا حتماً باید فارغ‌التحصیل موسیقی بودند یا نه؟

شرط اولیه برای شرکت در این گروه داشتن معلومات خوب موسیقی و

کارل ارف معتقد است اگر روش من و قطعات مرا بدون کم و کاست اجرا کردید، مطمئناً مربی موفق نخواهید بود پس بهتر است تمامی این متدها را با توجه به اقلیم خود و شرایط خاص اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم منطبق نمایید

موسیقی ارف  
نمی گوید که  
شما در آینده یک  
نوازنده یا  
موزیسین  
حرفه ای خواهید  
شد،  
یعنی فقط آشنایی  
با موسیقی  
حتی از آشنایی با  
موسیقی کمتر  
و در حد  
یک بازی ساده

بختیاری و ... آموزش موسیقی می دهند.  
از طرفی بسیاری از موزیسین هایی که در  
مراکز تخصصی و ارکسترهای مطرح  
نوازندگی می کنند و یا در انستیتوهای  
معتبر دنیا درس می خوانند از دل همین  
کلاس های ارف بیرون آمده اند. پس این  
نوع آموزش می تواند موزیسین های عالی  
و برجسته نیز تربیت کند.  
شما از کمیات صحبت کردید، از نظر  
کیفی این تحول را چگونه بررسی  
می کنید؟  
ببینید موسیقی ارف نمی گوید که شما در  
آینده یک نوازنده یا موزیسین حرفه ای  
خواهید شد، یعنی فقط آشنایی با موسیقی  
حتی از آشنایی با موسیقی کمتر و در حد  
یک بازی ساده. من حتی به والدین هم

کودکان می بینند و نمی گویند بچه ها حتماً  
باید موسیقی یاد بگیرند، حتماً باید اجرا  
کنند، حتماً خیلی خوب اجرا کنند و اگر  
نتوانند آن ها را دلسرد کنند و ذوق شان  
بدین وسیله نابود شود، بر عکس آن ها در  
مدرسه کنسرت اجرا می کنند، و گاهی  
حتی اشتباه، هرطور شده اجرا می کنند،  
تفریح می کنند و با نشاط و سرزنده  
می شوند. در حالی که ما تلاش زیادی برای  
بیان هدف آموزشی موسیقی ارف  
کرده ایم. اما با این حال والدین تصور  
می کنند در پایان دوره فرزندشان یک  
موزیسین می شود.  
به نظر شما تفاوت اصلی بچه های  
خارج از کشور با بچه های ایران در  
این زمینه چیست؟

می سازیم و آن را جلو می بریم و تبدیل به  
یک جمله موسیقی می کنیم. کلماتی ساده  
مثل بارون میاد شرشر و غیره، حالا اگر  
پدر و مادر در خانه از بچه بپرسد خوب  
امروز چه یاد گرفتی و بچه بگوید بارون  
میاد شرشر و از این قسم. حتماً آن ها  
می گویند این قدر پول دادم همین را یاد  
گرفتی!  
و بعد حساب می کنند میزان پولی که  
داده اند با میزان یادگیری اصلاً با هم  
نمی خواند. این طور چیزها در آنجا حل  
شده و آن ها پیشاپیش نتیجه را می دانند و  
انتظار ندارند فرزندشان موزیسین شود  
بلکه انتظار دارند موسیقی، فرزندان آن ها  
را به یک تناسب فکری برساند، اما ما  
می گویم بچه باید عالی موسیقی بداند،  
عالی اجرا کند و اگر در جشن تولد ده تا  
آهنگ اجرا نکرد مردود و معلمش هم  
صفر است.

### در این خصوص چه انتظاری از والدین دارید؟

به نظر من بخش عظیمی از آموزش، به  
پدر و مادرها بستگی دارد. آن ها باید به ما  
اجازه دهند بچه ها را به مسیری هدایت  
کنیم که خلاقیت آن ها بیشتر شود. از  
بچه ها بخواهند چیزهایی که در کلاس یاد  
می گیرند را به آن ها انتقال دهند.  
والدینی که درک بیشتری از اهداف  
آموزش موسیقی دارند متوجه می شوند که  
بچه ها حس بهتری پیدا کرده اند، حس به  
زندگی، حس به زیبایی، حس به شاد بودن،  
حس ریتمیک. حس اینکه خوب بشنوند و  
حتی خوب نقاشی بکشند و تمرکز پیدا  
کنند.

اگر به بچه ها موسیقی را خوب یاد بدهیم  
تمرکز آن ها بالا می رود و خلاقیت آن ها  
بیشتر می شود. باز هم تأکید می کنم این  
تمرکز و خلاقیت در بیشتر موارد توسط  
والدین گرفته می شود.

### کوچکترین گروه سنی ارف در آموزشگاه شما کدام است؟

بیشتر کوشش من آموزش بچه های  
کوچکتر و زیر ۷ سال است. ما چهار گروه  
آمدگی زیر ۷ سال داریم. آمادگی ۱، ۲، ۳،  
۴، و کوچکترین آن ها ۳/۵ الی ۴ سال  
می باشد. آموزش این گروه همراه با اولیاء  
آن هاست. یعنی مادران همزمان در  
کلاس شرکت می کنند، و این تا زمانی  
است که کودک کاملاً مستقل شود و بدون



فرق بزرگ این است که آن ها خلاقیت  
بیشتری دارند. در سفر اخیرم به ایالت  
آلاباما جهت شرکت در سمینار سالانه  
ارف موقعیتی پیش آمد تا در مدرسه ای  
تدریس کنم و به وضوح متوجه این تفاوت  
بین روش یادگیری و میزان خلاقیت آن ها  
که توسط مربی کار آزموده اعمال می شد،  
گردیدم. آن ها دوست داشتند سلام و  
احوالپرسی فارسی را با ریتم یاد بگیرند و  
من این کار را کردم.

بعد به آن ها فرصت دادم تا با این کلمات  
شکل جدیدی بسازند از نتیجه آن  
شگفت زده شدم. آن ها موسیقی ساختند  
نه با ساز بلکه با دست و پا و بدن و  
گفت و گو با لهجه خاص خودشان.

اما در اینجا بیشتر مواقع خلاقیت از بچه ها  
گرفته می شود. توسط چه کسی؟ پدر و  
مادر و شاید مربی. ما در کلاس بنا به  
موقعیت خاص شعری را فی البداهه

همیشه توضیح می دهم که به این پدیده  
به عنوان موسیقی صرف نگاه نکنند.  
خیلی از آن ها با ما همراه می شوند و  
آن هایی که همراه نمی شوند کسانی  
هستند که در زمینه های دیگر هم مشکل  
دارند و نمی دانند آموزش هنر و لزوم  
دانستن آن برای رشد فرزندانشان  
چیست. آن ها فقط به بخش ظاهری آن یا  
بهرتر بگویم به بخش نواختن آهنگ های  
درخواستی فکر می کنند. اگر بچه خیلی  
خوب از عهده نواختن ساز برنیاید  
می گویند او موسیقی بلد نیست یا معلم او  
خوب نیست. با مقایسه ساده بین  
بچه های ما و سایر نقاط جهان می توان  
دید که بسیار خوب پیشرفت کرده ایم و این  
را می توان به وضوح مشاهده کرد.

آیا شناخت آن ها عمیق تر است؟  
در غرب تمرین موسیقی و هنرهای دیگر  
را یک وسیله جهت ارتقا و رشد شخصیت

اگر به بچه ها  
موسیقی را خوب  
یاد بدهیم تمرکز  
آن ها بالا می رود  
و خلاقیت آن ها  
بیشتر می شود  
این تمرکز و  
خلاقیت در بیشتر  
موارد توسط  
والدین کمتر  
گرفته می شود

کمک مادر، یادگیری انجام‌پذیر شود.  
**کدام گروه سنی در آموزش ارف موفق‌تر هستند؟**

تجربه به ما نشان می‌دهد که بچه‌های زیر ۷ سال بسیار موفق‌تر هستند. با وجود اینکه کار با آن‌ها مشکل‌تر است و زمان بیشتر لازم دارد و از طرفی آموزش به والدین آن‌ها نیز لازم است، ولی این گروه از بچه‌ها موفق‌تر از بچه‌های بالاتر از ۷ سال هستند. بچه‌هایی که به سن بالاتر می‌رسند آموزش آن‌ها سخت‌تر می‌شود. وقتی در سنین پایین صدا و نت صحیح به کودکان آموزش داده شود آن‌ها کاملاً آن‌را درک کرده و همراه با رشد حس شنوایی نت‌ها را به خاطر می‌سپارند و به اصطلاح دارای گوش مطلق می‌شوند. چیزی که در سال‌های بعد به ندرت اتفاق می‌افتد، گوش مطلق همه صداها را از یکدیگر تمیز داده و درست جواب می‌دهد.

**آیا روش موسیقی ارف منحصر به گروه‌های سنی که ذکر کردید می‌شود؟**

خیر، این نوع آموزش برای همه و هر گروه سنی مناسب می‌باشد و علت آن سادگی سازها و گروهی بودن آن است. به همین دلیل بزرگترها نیز اگر تا به حال موسیقی کار نکرده باشند، با توجه به مشغله‌های فکری و کاری می‌توانند به سادگی با موسیقی از طریق این روش آشنا شوند. درحال حاضر از این روش جهت کمک به معلولان جسمی و عقب‌مانده‌های ذهنی استفاده بسیاری می‌شود. خصوصاً در مرکز ما نیز تعدادی از کودکان استثنایی مشغول فراگیری موسیقی هستند و نتیجه بسیار مطلوب و حائز اهمیت بوده است.

**مهم‌ترین تاثیر کلاس‌های ارف علاوه بر آموزش موسیقی بر کودک و نوجوان چیست؟**

اگر برای این پدیده یک هدف آموزشی خاص در نظر گرفته شود، می‌تواند در ارتقاء تمرکز، حس شنوایی و حتی فراگیری ریاضیات تأثیر بسزایی داشته باشد، و خلاقیت کودکان را افزایش دهد، مهم‌ترین تأثیر این موسیقی بر روی کار جمعی و گروهی بوده است. بچه‌ها در گروه همدیگر را می‌شناسند، دست یکدیگر را می‌گیرند و با هم آواز می‌خوانند. این کار گروهی باعث نشاط بیشتر آن‌ها می‌شود.

کارل ارف در قرن بیستم روشی را ابداع نمود تا تمرین در یک اتاق با داد و بیداد مربی به یک کار گروهی پرثمر تبدیل شود. مربی موسیقی در کلاس همراه کودکان راه می‌رود، دست می‌زند و موزیک اجرا می‌کند و بچه‌ها نیز همراه او موسیقی یاد می‌گیرند.

**چرا روش‌هایی مثل زولتان کودای و امیل ژاک داکروز در ایران کمتر تدریس می‌شود؟**

البته باید ببینیم خود موسیقی ارف تا چه حد اجرا می‌شود و علم و توانایی افرادی که در این زمینه فعالیت می‌کنند تا چه حد است تا به مقایسه دیگر روش‌ها و بود و نبود آن بپردازیم. در حال روش ارف به علت جهانی بودن آن و استفاده از همه جنبه‌های آموزشی اعم از رقص و خواندن و ساز زدن نسبت به بقیه روش‌ها مورد

**ایرانی در آموزش استفاده می‌کنید؟**  
مبنای روش خود ارف می‌گوید هدف این روش تربیت موزیسین نیست گویی که این روش می‌تواند موسیقیدان‌های خوبی را در آینده پرورش دهد. به همین علت وسایل اولیه می‌تواند خیلی ساده و حتی غیرساز می‌باشد مانند استفاده از بازی‌های محلی که جنبه ریتمیک دارند.

وقتی به بچه‌ها می‌گوییم «تاب تاب عباسی، خدا منو نندازی» این کلمات و ریتم آن با طبل و سه گوش و غیره سؤال و جواب می‌شود و ما می‌توانیم به این طریق به بچه‌ها ریتم را آموزش دهیم. وقتی می‌گوییم «تاب تاب خمیر، شیشه و پنیر» بدون وارد شدن به مقوله تئوری موسیقی ریتم شش‌هشتم ایرانی را آموزش داده‌ایم. تمامی این موارد به درک ریتمیک و ملودیک بچه‌ها کمک می‌کند



ناصر نظر در کلاس‌های آموزش ارف به کودکان در خارج کشور



ناصر نظر، پروانه دادخواه



و این همان کاری است که در غرب برای یاد دادن ریتم‌های مختلف انجام می‌شود و گسترش آن نیز خلاقیت به دنبال می‌آورد. مثلاً می‌توان بازی «دویدم و دویدم» را به صورت یک نمایش اجرا کرد. پس ما امکانات بالقوه زیادی داریم که در بازی‌ها، ضرب‌المثل‌ها و قصه‌ها و غیره وجود دارد و کافی است آن‌ها را بشناسیم و انتخاب کنیم و به کار ببریم. نتیجه فوق‌العاده است. اگر تنها الگوی موسیقی ارف را تدریس کنیم کپی‌برداری است. باید تلفیقی از سازهای ارف و فرهنگ ایرانی ایجاد کنیم و موسیقی کودک را از طریق فرهنگ خودمان به جهان معرفی کنیم.

ادامه دارد

توجه قرار گرفته با آنکه دیگر روش‌های آموزشی مانند داکروز و کودای بی‌تأثیر نبوده و در حال حاضر نیز تدریس می‌شود. از طرفی مبنای روش ارف، سازهای ارف است که در همان ابتدا شروع به آموزش آن‌ها می‌شود و این در حالی است که کودای اعتقاد دارد تا سال‌ها می‌بایست حنجره را تقویت نمود. ارف معتقد است حرکت، موسیقی و آواز باید با هم توأمان و در کنار هم باشند. مبنای روش آموزشی ارف استفاده از سازهایی با کوک ثابت است که در به وجود آوردن گوشه دقیق بسیار موثر می‌باشد. **آیا در روند آموزشی، تنها از سازهای ارف برای درک موسیقی و ریتم استفاده می‌کنید؟ تا چه حد از فرهنگ**